

— سید حسن موسوی بروجردی

چرا کار تکراری نکنیم؟! —

نقدی بر تحقیق کتاب کفایة الأثر خزّاز قمی

۱۲۴-۱۱۳

چرا کار تکراری نکنیم؟! نقدی بر تحقیق کتاب کفایه الأثر خزاز قمی

سید حسن موسوی بروجردی

چکیده: کتاب کفایه فی النصوص علی الأئمة الاثني عشر تألیف ابوالقاسم علی بن محمد خزاز رازی از علمای قرن پنجم قمری از منابع بسیار مهم حدیثی شیعه شناخته می‌شود. با این حال، جنبه کلامی آن برجسته حدیثی اش غلبه دارد؛ چراکه مؤلف با تألیف این کتاب به یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های عقیدتی جامعه شیعه در سده اول غیبت کبری یعنی اثبات تواتر روایات ائمه اثنی عشر پاسخ داده است. کتاب کفایه اولین بار توسط مرحوم سید عبدالطیف کوه کمره‌ای در سال ۱۴۰۱ قمری تحقیق و منتشر شد و مجدداً در سال ۱۳۸۷ با تحقیق و تصحیح آقایان محمد کاظم موسوی و عقیل ربیعی از سوی انتشارات دلیل ما روانه بازار نشر شد. نگارنده این نوشتار تصحیح مذکور را در بوته نقد و بررسی قرار داده است. وی در راستای این هدف، نقدها را در شش بخش ذیل دسته‌بندی و با ذکر مثال بیان می‌دارد: عدم جستجو درباره نسخه‌های خطی، اشتباه در تشخیص و انتخاب نسخه کفایه، نام‌گذاری نامناسب کتاب، ضبط نادرست اسما در اسانید، کاستی در استخراج منابع و نواقص مقدمه تحقیق.

کلیدواژه: کتاب کفایه فی النصوص علی الأئمة الاثني عشر، خزاز رازی، تصحیح نسخ خطی، منابع حدیثی شیعه، نقد کتاب، محمد کاظم موسوی، عقیل ربیعی.

Why Not Doing a Repetitive Work?!

A Critique on the Study of the Book *Kifāyat al-Athar* by Khazāz Qomi

By: Seyyed Hasan Mousavi Boroujerdi

Abstract: *Al-Kifāyat fi al-Nosūs alal-A'emat al-Athnā Ashar* by Abulqāim Ali bin Muhammad Khazāz-e Rāzi, one of the scholars of the 5th century AH, is one of the most important Shiite sources on hadith.

However, its theological aspect overcomes its hadith aspect because the writer of the book answered one of the most significant ideological concerns of the Shiite community in the first one hundred years of the major occultation which was about proving tawātur of twelve-Imam's hadiths. *Kifāyat* was first published by the late Seyyed Abdullatīf Kooch Kamareie in 1401 AH. Later it was for the second time studied and corrected by Muhammad Kāzim Mousavi and Aqīl Rabi'i; and was published by Dalīl-e Mā publication in 1387. The author of the following paper intends to criticize the latter version. Regarding this, he is going to categorize his criticisms along with some examples in the following six sections: failure in search for manuscripts, making mistake in identifying and choosing the right copy of *Kifāyat*, picking an inappropriate title for the book, incorrect recording of the names in the documents, shortcomings in finding the sources, and an incomplete introduction to the research.

Key words: *Al-Kifāyat fi al-Nosūs alal-A'emat al-Athnā Ashar*, Muhammad Khazāz-e Rāzi, correcting the manuscript, sources of Shiite hadiths, book criticism, Muhammad Kāzim Mousavi, Aqīl Rabi'i.

لماذا نتجنب تکرار المکررات؟

نقد علی تحقیق کتاب کفایة الأثر للخزاز القمّي

السید حسن الموسوي البروجردی

يعدّ كتاب الكفاية في النصوص على الأئمة الاثني عشر من تأليف أبو القاسم علي بن محمد الخزاز الرازي - من علماء القرن الخامس الهجري - واحداً من مصادر الحديث الشيعي المهمة جداً.

ورغم ذلك فقد تغلّبت البسمة الكلامية على السمة الحديثية لهذا الكتاب؛ لأنّ المؤلف كان يحاول من خلال تأليفه لهذا الكتاب أن يجيب على أبرز التساؤلات العقائدية التي جابهت المجتمع الشيعي في القرن الأول من الغيبة الكبرى، ألا وهي التساؤلات عن ما ثبت تواتر روایات الأئمة الاثني عشر.

وكانت المرة الأولى التي صدر فيها هذا الكتاب في سنة ۱۴۰۱ هجرية بعد تحقيقه من قبل مرحوم السيد عبد اللطيف الكوهكمری، ثمّ صدرت طبعته الثانية سنة ۱۳۸۷ الهجرية الشمسية عن انتشارات دلیل ما وبتحقيق وتصحيح محمد كاظم الموسوي وعقيل الربيعي.

والمقال الحالي يقوم الكاتب فيه بمراجعة ونقد هذا التصحيح المذكور، وفي سياق هدفه هذا يقدم نقده ضمن ستة أقسام، مستشهداً بالأمثلة على ذلك، ومنها: عدم البحث عن نسخ الكتاب الخطية، والاشتباهات في تشخیص وانتخاب نسخة الكفاية، والانتخاب غير المناسب لعنوان الكتاب، وعدم الدقة في ضبط الأسماء الواردة في الأسانيد، والنواقص في استخراج المصادر، والثغرات في مقدمة التحقيق.

المفردات الأساسية: كتاب الكفاية في النصوص على الأئمة الاثني عشر، الخزاز الرازي، تصحيح النسخ الخطية، مصادر الحديث الشيعي، نقد الكتاب، محمد كاظم الموسوي، عقيل الربيعي.

چرا کار تکراری نکنیم؟! —

سید حسن موسوی بروجردی

نقدی بر تحقیق کتاب کفایة الأثر خزّاز قمی

الكفاية في النص على الائمة
الاثني عشر؛ علي بن محمد خزّاز
رازی؛ تصحيح محمد كاظم
موسوی و عقيل ربيعي، قم: دليل
ما، ۱۳۸۷.

در هر حرفه‌ای کار تکراری زشت و ناپسند است و قبح این کار در امور فرهنگی دو چندان؛ چرا که سرمایه‌گذاری در عرصه فرهنگ اندک و کار روی زمین مانده بسیار است. در این میان کار تکراری در عرصه احیای میراث مکتوب خطایی نابخشودنی است و هیچ توجیه و بهانه‌ای از مرتکب آن پذیرفتنی نیست؛ چرا که کتاب‌های خطی بسیاری نیاز به تصحیح و تحقیق دارند و از طرف دیگر گروه اندکی از جامعه فرهنگی خواهان این دست از کتب هستند. با این همه گاهی انسان ناچار به کار تکراری می‌شود، آن هم زمانی که کتابی مستقیم باریشه‌های فکری و عقاید یک مکتب در ارتباط باشد.

چندی قبل یکی از موارث کهن حدیثی شیعه که خوشبختانه به طور کامل به دست ما رسیده به نام «الكفاية في النصوص على الائمة الاثني عشر»، تألیف ابوالقاسم علی بن محمد خزّاز رازی (از علمای قرن پنجم قمری) مجدداً تصحیح و منتشر شد.

این کتاب که از منابع بسیار مهم حدیثی شیعه شناخته می‌شود، جنبه کلامی آن بر جنبه حدیثی اش غلبه دارد؛ از آنجا که مؤلف با تألیف این کتاب یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های عقیدتی جامعه شیعه در سده اول غیبت کبری، یعنی اثبات تواتر روایات ائمه اثنی عشر را پاسخ داده است.

او کتاب خود را به شکل بدیعی در ۳۹ باب تنظیم کرده است. وی اساس تألیف خود را روایات اهل سنت از صحابه قرار داده است و در این مسیر ۲۸ باب اول کتاب را به روایات ۲۸ تن از صحابه از رسول خدا (ص) در نصّ برائمه اثنا عشر اختصاص داده و در ادامه در یازده باب به روایاتی از امامان شیعه در موافقت این اخبار پرداخته است.

درست است که بیشتر مشایخ دوازده‌گانه مؤلف از محدثین شناخته شده شیعه به شمار می‌آیند، ولی بیشتر اسانید روایات کتاب، در طبقات بعد از مشایخ مؤلف به مشایخ و راویان اهل سنت بازمی‌گردند. به همین دلیل و به علت عدم ذکر این اسامی در کتب رجالی و اسانید روایات شیعه و در نتیجه عدم شناخت بعضی از این نام‌ها توسط کاتبان شیعی کتاب ما، تصحیفات و اغلاط فراوانی در اسانید این کتاب راه یافته است تا آنجا که برخی از نام‌های مندرج در اسانید مجهول مانده و به دلیل جهل روات بخش زیادی از روایات کتاب در زمره روایات ضعیف به شمار می‌آیند.

کتاب «کفایه» اولین بار توسط مرحوم سید عبدالطیف کوه کمره‌ای در سال ۱۴۰۱ قمری (یعنی ۳۷ سال قبل) تحقیق و منتشر شد. وی در تصحیح خود از سه نسخه خطی بهره برده است. متأسفانه اگر کسی به متن آن مراجعه کند با خواندن چند سطر متوجه می‌شود که گذشته از عبارات زیادی که از متن کتاب افتاده است، مرحوم کمره‌ای در بسیاری از موارد، عبارتی که نادرست بوده را در متن آورده و صواب آن را در پاورقی ضبط کرده است.

این کتاب مجدداً (در سال ۱۴۳۰ هجری / ۱۳۸۷ شمسی) با تحقیق و تصحیح آقایان محمد کاظم موسوی و عقیل ربیعی از سوی انتشارات «دلیل ما» منتشر شد. نگارنده این سطور در وهله اول بسیار خوشحال و

نقدهای تحقیقی

می توان گفت که محققین این کتاب، بسیاری از معیارهای علمی و پژوهشی تصحیح متون کهن را رعایت نکرده اند. در این گفتار سعی بر این است که نقدها را در چند بخش با آوردن مثال بیان کنیم. موارد مورد نقد در شش بخش دسته بندی شده است:

۱. عدم جستجو درباره نسخه های خطی

۲. اشتباه در تشخیص و انتخاب نسخه کفایه

۳. نام گذاری نادرست کتاب

۴. ضبط نادرست اسماء در اسانید

۵. کاستی در استخراج منابع.

۶. نواقص مقدمه تحقیق

۱. عدم جستجو در نسخه های خطی

اولین قدم در تصحیح و تحقیق یک متن کهن بهره گرفتن از بهترین نسخه های خطی آن است. اساسی ترین نکته نیز در انتخاب نسخه، قرب عهد زمانی آن با صاحب اثر است. پژوهشگران عرصه میراث مکتوب در این راستا دچار مشکلات عدیده ای هستند؛ چرا که نسخه های خطی در کتابخانه های مختلف پراکنده بوده و در یک مکان یا یک شهر و حتی یک کشور تمرکز ندارند. بسیاری از نسخه ها فهرست نگاری نشده و فهرس نسخه های فهرست شده نیز در دسترس نیست. متأسفانه ما یک بانک جامع از فهرس نسخه های خطی. چه به صورت کتابخانه فیزیکی چه نرم افزاری نداریم تا به کمک آن به تمام نسخه های فهرست شده دسترسی داشته باشیم.

ولی با این حال دست نیافتن به نسخه های نفیس معرفی شده یک اثر به این دلیل که فهرس آن در اختیار نیست یا دسترسی به آن دشوار است، هرگز قابل پذیرش برای محققین این عرصه نخواهد بود؛ به همان دلیل که مهم ترین بخش تحقیق یک متن دست یافتن به نسخه های مفید و نفیس اثر است، والا هر کس از هر جا با جمع کردن چند نسخه خطی می تواند کتابی را شبه تحقیقی کرده و منتشر نماید.

متأسفانه در چاپ کتاب «کفایة الاثر» و در جمع آوری و بررسی مهم ترین نسخه های خطی آن کوتاهی های آشکاری صورت گرفته. محققین این اثر از شش نسخه خطی بهره جسته اند که یکی از این نسخه ها اساساً نسخه کتاب کفایه نیست و آنها بدون آگاهی به این نکته آن را در عداد نسخه های کفایه قرار داده اند که در ادامه به آن می پردازیم. باقی ها نسخه ها نیز متأخر و متعلق به قرن یازدهم



خرسند بود از آنکه گروهی در این بازار وانفسا و عدم اقبال ناشران به انتشار میراث کهن امامیه، کمر همت بسته و اقدام به انتشار سلسله مصادری از منابع شیعه کرده اند و از طرف دیگر مشغوف از احیا و تحقیق این اثر گران سنگ و حسن انتخاب

با کمال تعجب با ملاحظه ای گذرا به کتاب با کاستیها و اشتباهات روشی و تحقیقی در آن روبرو شدم که در تحقیق و تصحیح این دست از موارث گران بها و منابع فکری اولیه اسلامی امری نابخشودنی به شمار می آید. مدتی از این امر گذشت تا چندی قبل فرصت شد نگاهی دقیق تر به نوع و کیفیت تحقیق این کتاب داشته باشم و ملاحظات خود را در این یادداشت جمع آوری کرده و با عنوان نقدی کوتاه بر تحقیق این اثر شریف به دوستانمان در این مرکز عرضه نمایم تا شاید امثال این ملاحظات را در تحقیق سایر مصادر در حال تحقیقشان به کار برده و آثاری با بهره وری بهتر و در خور جامعه علمی عرضه نمایند. دست آخر و با توجه به این اخطا بهانه ای شد تا ما بار دیگر در «کتابخانه علامه مجلسی، مرکز تحقیق و پژوهش میراث مکتوب شیعه» در قم بار این کتاب را به روشی دقیق تر و به شکلی کامل تر تحقیق و تصحیح کرده و در اختیار پژوهشگران حوزه امامت قرار دهیم.

به بعد است که به استثنای یک یا دو نسخه، دیگر نسخه‌ها ویژگی و مزیت خاصی ندارند. این در حالی است که نسخه‌های بسیار معتبر از کتاب «کفایة الاثر» در فهرس نسخه‌های خطی معرفی و در دسترس محققین است در این چاپ از آنها استفاده نشده است که در اینجا به بعضی از آنها اشاره می‌شود:

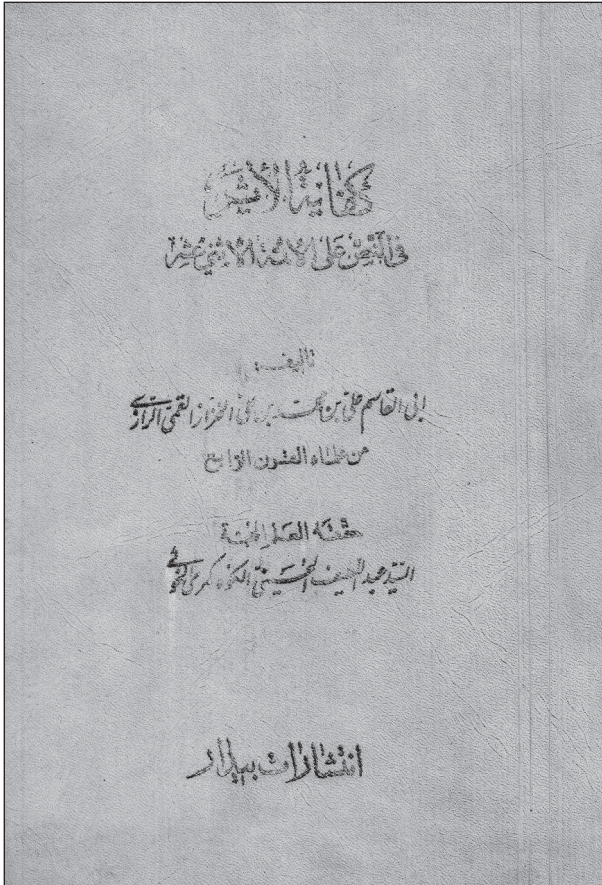
نسخه اول

مهم‌ترین و کهن‌ترین نسخه این اثر که کتابت آن متعلق به سال ۵۸۴ق است، در این تحقیق استفاده نشده است. این نسخه از جهات متعددی دارای اهمیت است؛ از آن جمله می‌توان به اجازات و بلاغات تصحیحی که در همان قرن ششم هجری به خط مبارک بزرگ‌ترین مشایخ شیعه بر روی آن آمده، نام برد؛ اجازه سماع و قرائت شاذان بن جبرئیل قمی به خط خودش پس از قرائت کامل کتاب توسط محمد بن عبدالله بن علی ابن زهره حلبی در حضور پدرش که در این اجازه طریق روایت کتاب تا مؤلف آمده است. نکته مهم دیگر در این نسخه که آن را از باقی نسخه‌های این کتاب متمایز می‌کند، تصحیح و مقابله آن توسط ابن ادریس حلی صاحب کتاب «سراثر» است. او این نسخه را با نسخه اصل (بنا بر صریح تعبیرش) مقابله کرده. این نسخه بعدها در اختیار شهید اول محمد بن مکی عاملی (۷۸۶ق) و سپس در خدمت ابن خاتون عاملی قرار گرفته است و خطوط همه این دانشمندان بر روی این نسخه آمده است و این همه بیانگر اصالت این نسخه است.

گزارش وجود این نسخه در کتابخانه آل سلیمان در لبنان در آثار متعددی چون «اعیان الشیعة» آمده است و مرحوم سید محسن امین نصوص وارده بر روی این نسخه را به طور کامل نقل کرده است. محققین این کتاب با آنکه تصویر این نسخه در ایران در دسترس است، نه اینکه از آن استفاده نکرده‌اند، بلکه در تصحیح نسبت کتاب به خزاز قمی که مورد تشکیک بعضی از متأخرین واقع شده نیز از این نصوص و طرق روایتی شاذان و بنی زهره بهره نبرده‌اند.

نسخه دوم

نسخه مورخ سال ۸۵۲ق است که ظاهراً از روی نسخه سابق کتابت، مقابله و تصحیح شده است. کاتب این نسخه تصریح می‌کند که نسخه اصل او با نسخه اصل توسط ابن ادریس مقابله شده است. خوشبختانه این نسخه در کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی (رحمه الله) نگهداری می‌شود که دیگر نیازی به معونه و مشقت سفر به خارج از ایران و یا حتی شهر دیگر را نداشت.



نسخه سوم

نسخه‌ای است به خامه محدث و فقیه مشهور مرحوم حرّ عاملی (۱۱۰۴ق) که توسط خود او نیز تصحیح و مقابله شده و پایان آن نیز مختوم به ختم مبارک او است. این نسخه نیز در آستان مقدس رضوی در مشهد مقدس فهرست و حفاظت می‌شود و در دسترس تمام محققین و پژوهشگران و مؤسسات علمی و پژوهشی است.

نسخه چهارم

نسخه کتابخانه مجلس شورای اسلامی در تهران است که تصویر آن به صورت آنلاین و مجانی در اینترنت یافت می‌شود. این نسخه که از مخطوطات قرن دهم هجری قمری است دارای مزیتی استثنایی است که ما آن را فقط در نسخه اول کتاب یافتیم. البته این مزیت به نسخه اصلی که نسخه ما از روی آن کتابت شده است بازمی‌گردد. از آنجا که نسخه اصل متعلق به قرن ششم هجری بوده که آن نیز مانند نسخه اول در سنت سماع و قرائت فقها و محدثین شناخته شده و بارز آن عصر تصحیح و مقابله شده و دارای نصی استثنایی از سماع و اجازه نسخه است که تا به حال شناخته و معرفی نشده و کاتب دانشمند و فهمیده نسخه ما، آن را به عینه بر روی نسخه خود انتقال داده است. این نسخه اصل ما توسط الشریف السید ضیاء الدین ابوالفتح محمد بن محمد بن الجعفریة

کتاب کفایه قلمداد کرده‌اند.

لازم به تذکر است که عادتاً در تصحیح متون کهن از نسخه‌هایی که حاوی مختصری از کتاب اصل هستند و مزیتی خاص چون قدیمی بودن داشته باشند استفاده می‌شود، ولی نه به عنوان اساس کار تصحیح و نسخه‌اصلی تصحیح، بلکه به عنوان نسخه تکمیلی و کمکی که تنها در موارد لازم به این‌گونه از نسخه‌ها فقط مراجعه می‌شود. دلیل این مطلب نیز روشن است. از آنجا که این دست نسخ در حقیقت کتابی جداگانه و مستقل هستند و تنها به بخشی از متن کتاب اصلی بسنده کرده‌اند، بنابراین نمی‌توان از آنها در تصحیح تمام متن کتاب بهره برد.

از سویی دیگر نگارندگان این قبیل از کتب معلوم نیست چگونه کتاب اصل را تلخیص کرده باشند. ممکن است نگارنده علاوه بر تلخیص تصرفاتی در متن اصلی هم کرده باشد یا در نقل بعضی از بخش‌های کتاب چیزی را از آن کاسته یا بر آن افزوده باشد. از این رو نمیتوان به این دست از نسخ در تصحیح به طور کامل اعتماد کرد، اما چنان‌که گفته شد محققین محترم کتاب کفایه غافل از نکته مذکور این نسخه را «کثیر السقطات» معرفی کرده‌اند.

در مقدمه نسخه مورد بحث، نگارنده به صراحت با عبارت: «و بعد فهذه رسالة و جيزة في الأدلة الدالة على إمامة الأئمة الاثني عشر...» نشان می‌دهد که در پی نگارش کتابی مستقل است و نه استنساخ نسخه کفایه. محققین ارجمنند این کتاب علاوه بر نقل این عبارت در مقدمه خود، باز این نسخه را از نسخه‌های کتاب کفایه دانسته و بخش اول کتاب که در رابطه با آیات دال بر امامت ائمه (ع) است را در ابتدای کتاب آورده‌اند.

هرچند خود محققین به این نتیجه رسیده‌اند که بخش اول این نسخه به خامه خزاز قمی نیست، اما باز این بخش را به عنوان نوشته‌ای از کاتب نسخه کفایه یا یکی از علما آورده‌اند و نگارش این چنین مقدماتی را «عادت جاریه بین علما» دانسته‌اند! وای کاش نمونه‌های دیگری از این «عادت جاریه» را برای ما ذکر می‌کردند!

در حقیقت با این اشتباه یکی از کتب و رساله‌های تراثی کهن در لابه لای تحقیق آنها گم شده است. بهتر بود درباره نگارنده این رساله تحقیق می‌شد تا کتابی از میراث شیعه با عنوان مستقلی منتشر شود، نه آنکه در میان مقدمه تحقیق کتابی مخفی بماند.

۳. نام‌گذاری نادرست کتاب

در تحقیقات و پژوهش‌های معاصر، سطور و صفحات زیادی فقط

الطوسی العلوی الحسینی الحلی الحائری در سال ۵۷۱ هجری از مشایخ سید راوندی و ابن المشهدی سماع شده است و او سماع را بر پشت صفحه اول کتاب نوشته است. جالب اینجاست که طریق این روایت و سماع به طور کل تا خود مؤلف با طریق روایت شاذان بن جبریل کاملاً متفاوت است که بیانگر تداول و انتشار این کتاب در بین قدمای مشایخ شیعه است.

ابن الجعفریة از مشایخ بسیار مشهور شیعه در قرن ششم هجری است که در حله ساکن بوده و نقش بسیار بارزی در انتقال میراث‌های مکتوب امامیه را در این قرن ایفا کرده است، از این رو نام او به وفور در اجازات قرن ششم هجری به چشم می‌خورد. ابن الشعار موصلی (۶۵۴ق) در کتاب قلاند الجمان و صفدی (۷۶۴ق) در الوافی بالوفیات، احوال اولاد او را نیز که همگی در حله ساکن بوده‌اند آورده‌اند.

از جمله کتبی که او سماع و قرائت کرده و ما نسخه‌هایی داریم که طرق او در منابع یا بر روی اصل این کتب ضبط شده است، می‌توانم از صحیفه سجاده، العمل فی الیوم و اللیلة طرابلسی و معدن الجواهر کراچکی (۴۴۹ق) و مؤلفات شیخ طوسی و مفید و قدمای امامیه نام ببرم.

این فقط گوشه‌ای از غفلت‌های نسخه‌شناسی این تحقیق به شمار می‌آید که باعث کاسته شدن از ارزش علمی تحقیق این اثر می‌گردد.

۲. اشتباه در تشخیص و انتخاب نسخه کفایه

یکی از کهن‌ترین نسخه‌های خطی کتاب کفایه نسخه کتابخانه فاضل خوانساری به شماره ۱۹ است. این نسخه به خط شمس‌الدین حسینی است که آن را به سال ۸۷۲ در «یعقوب محله» کتابت کرده است. محققین محترم این کتاب که از این نسخه در تحقیق خود استفاده کرده‌اند، در توضیحات نسخه‌شناسانه آن گزارش داده‌اند که این نسخه اقدم نسخ کتاب است، ولی احادیث بسیاری از آن افتاده است.

بعد از مراجعه به این نسخه روشن شد که در واقع این نسخه، نسخه‌ای از کتاب کفایه نیست، بلکه رساله‌ای کلامی در اثبات امامت ائمه اثنا عشر (ع) است که مؤلف آن را در دو بخش آیات و روایات تنظیم کرده است و در بخش روایات مختصری از کتاب کفایه را آورده و از نقل بسیاری از روایات کتاب صرف نظر کرده است. متأسفانه مصححین به اشتباه این نسخه را از نسخه‌های

به بحث و بررسى نام کتاب اختصاص داده مى شود. اهميت آن نيز بر دانشوران و پژوهشگران روشن است. گاهى در منابع مختلف از کتابى به عناوين گوناگونى تعبير شده که تحقيق در اين اسامى، ما را به انتساب کتاب به مؤلف آن و اعتنا به آن در طول تاريخ و موارد ديگر راهنمايى مى کند. کتاب کفايه نيز بيرون از اين

قاعده نيست. در تحقيق مورد بحث اين کتاب با عنوان «کفايه الاثر فى النص على الاثمة الاثنى عشر» منتشر شده است. درست است که اين دوستان در مقدمه خود بحثى کوتاه درباره عنوان کتاب مطرح کرده اند، اما اين بحث در مسير اصولى و درست قرار نگرفته و در نهايت نامى که در قرون اخير بر کتاب نهاده شده را جاىگزين نام اصلى کتاب کرده اند.

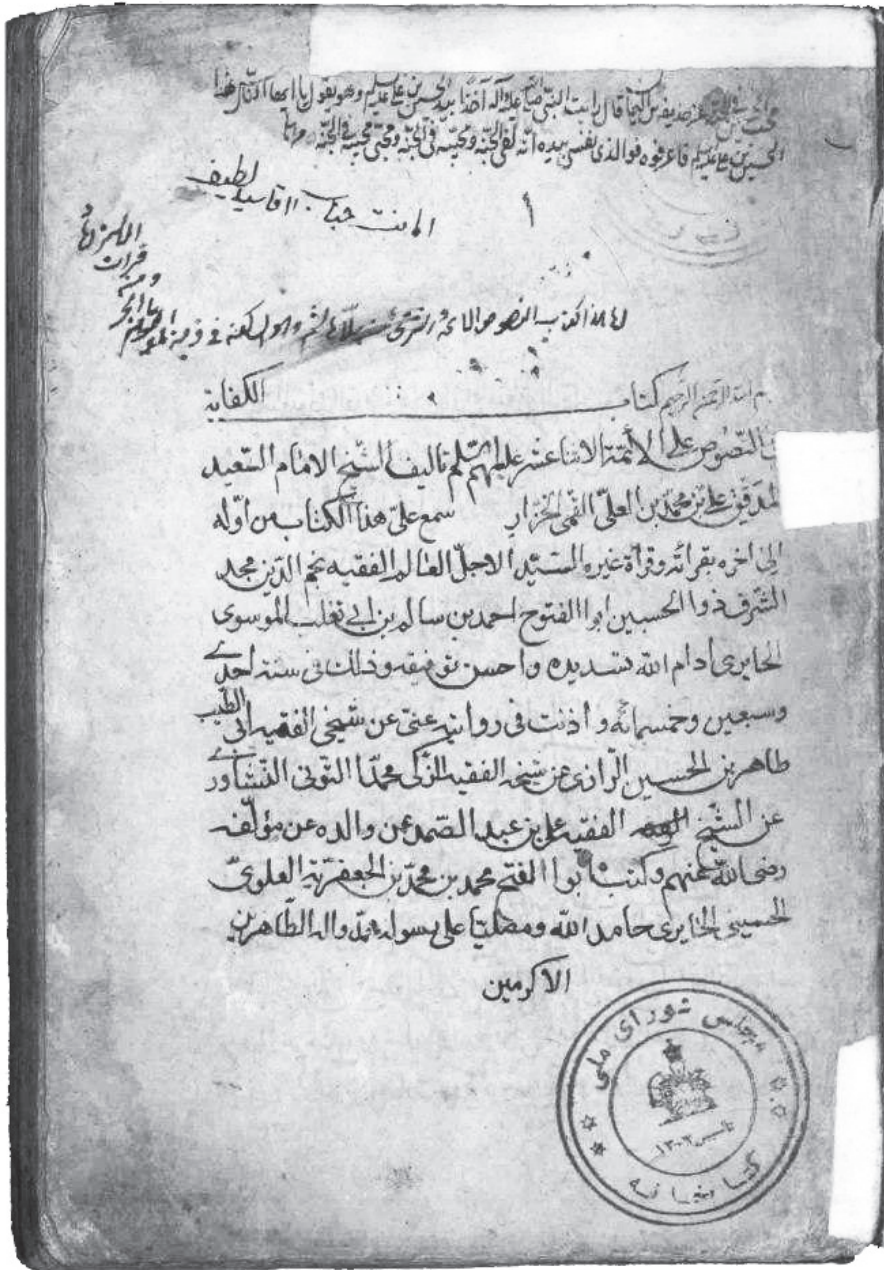
متقدمين همگى از اين کتاب به «الكفاية فى النصوص على عدد الاثمة (ع)» تعبير کرده اند. همين عنوان نيز بر روى نسخه شاذان بن جبرائيل و نسخه ابن الجعفرىه که پيش از اين از آنها سخن گفتيم آمده است. همچنين در نسخه شيخ حر (رحمه الله) که متعلق به قرن يازدهم است نيز همين عنوان نقش بسته، اما در بعضى از منابع متأخر قرن يازدهم به بعد اين عنوان تغيير پيدا کرده و از آن به «کفايه الاثر فى النص على الاثمة الاثنى عشر (ع)» ياد شده است.

ظاهراً اين تغيير نام از «الكفاية» به «کفايه الاثر» به دليل شباهت موضوع اين کتاب با کتاب استاد نويسنده کتاب، ابن عياش جوهرى (۴۰۱ ق) با عنوان «مقتضب الاثر فى النص على الاثمة الاثنى عشر» باشد.

از طرف ديگر با ملاحظه عناوين ابواب کتاب شكى براى ما نمى ماند که کلمه صحيح در عنوان اصلى کتاب همان «النصوص» باشد نه «النص»؛ چرا که مؤلف در تمام عناوين ابواب

کتاب اين تعبير را تکرار نموده و مى گويد: «باب ما جاء عن زيد بن أرقم عن النبي (صلى الله عليه وآله) فى النصوص على الاثمة الاثنى عشر (عليهم السلام)» و احتمالاً اين قطعه از نام کتاب نيز از تبادر نام «مقتضب الاثر فى النص على الاثمة...» به کتاب کفايه منتقل شده است؛ همچنان که در برخى از منابع به اشتباه از کتاب «کفايه الاثر» به «مقتضب الاثر» ياد کرده اند.

بنابراين بهتر بود محققين گرامى در نام گذارى کتاب، نام اصلى که از مؤلف بوده و قدما از آن تعبير کرده اند را براى کتاب انتخاب و بر روى جلد آن مى آوردند.



نسخه کتابخانه مجلس شورا که صورت اجازه روايت کتاب کفايه خزاز توسط ابن الجعفرىه در سال ۵۷۱ هجرى قمرى بر روى آن آمده است

۴. ضبط نادرست اسامی مذکور در اسانید

چنان‌که پیش از این گذشت مشایخ دوازده‌گانه مؤلف از محدثین شیعه به شمار می‌آیند، اما بیشتر اسانید روایات کتاب، در طبقات بعد از مشایخ مؤلف به مشایخ و راویان اهل سنت بازمی‌گردند؛ چرا که مؤلف بنا داشته برای اثبات ادعای خود، بیشتر از احادیثی استفاده کند که در سند آنها، راویان اهل سنت یا راویان مشترک بین فریقین باشد و در نهایت به یکی از صحابه منتهی شود. به همین دلیل و به علت عدم شناخت این اسامی توسط کاتبان شیعه، تصحیفات و اغلاط فراوانی در اسانید این کتاب وجود دارد تا آنجا که برخی از نام‌های مندرج در اسانید، مجهول و به شکلی مغفول باقی مانده که در نهایت باعث ضعف این روایات شده است.

از سویی دیگر بر کسی مخفی نیست که یکی از مهم‌ترین وظایف پژوهشگران میراث مکتوب آن‌هم در سطح کتابی مانند کتاب کفایه. مراجعه کلمه به کلمه نصوص و مطابقت آن با منابع و مصادر و بیان صحت و سقم آنهاست؛ به ویژه در کتب حدیثی که در آن سلسله اسانید روایات ذکر شده است، باید صحت ضبط تک‌تک این نام‌ها بررسی شود و راویان تا آنجا که ممکن است برای خوانندگان. حداقل به اندازه ضبط صحیح در هامش. شناخته شوند.

انتظار می‌رفت که محققین محترم این کتاب دقت بیشتری در بررسی رجال آن انجام می‌دادند که متأسفانه این طور نشده و بیش از ۱۰۰ مورد خطا در اسانید این چاپ وجود دارد که برای نمونه به برخی از آنها اشاره می‌شود:

نام نادرست	نام درست	آدرس
أبوسلمان أحمد	أبوسليمان أحمد	ص ۷۵، خ ۱ و ۲
عبد الحميد الأعرج	حميد الأعرج	ص ۷۵، خ ۴
الحسين بن محمد الجواني	الحسين بن محمد الحزاني	ص ۸۳، خ ۵
أحمد بن عبد الله بن محمد بن عمارة	أحمد بن عبيد الله بن محمد بن عمارة	ص ۸۴، خ ۲
عبد الله بن عبد الكريم	عبيد الله بن عبد الكريم	ص ۸۴، خ ۵
عبد الله بن حكيم الهذلي، عن أبي بكر الراهبي	عبد الله بن حكيم الهذلي أبو بكر الداهري	ص ۸۵، خ ۳
محمد بن غالب بن الحارث	محمد بن غالب بن حرب	ص ۹۳، خ ۲
سيف بن عميرة	سيف بن عمر	ص ۱۰۲، خ ۷
سعيد بن عمرو	سعيد بن عمرو	ص ۱۱۱، خ ۱
علي بن محمد بن متولة	علي بن محمد بن متويه	ص ۱۲۹، خ ۵
نصر بن عبد الله الوشاء	نصر بن عبد الرحمن الوشاء	ص ۱۲۹، خ ۶
الحسن بن محمد بن أبي شعيب	الحسن بن أحمد بن أبي شعيب	ص ۱۳۵، خ ۵
مسكين بن بكير أبو بسطام	مسكين بن بكير عن أبي بسطام	ص ۱۳۵، خ ۵
أحمد بن محمد بن صدقة	أحمد بن مهدي بن صدقة	ص ۱۴۳، خ ۱۱
السنائي	الشيباني	ص ۱۴۴، خ ۶
محمد بن عرفة	محمد بن عوف	ص ۱۴۴، خ ۷

نام نادرست	نام درست	آدرس
محمد بن عبدالرحمن	محمد بن عبدالرحیم	ص ۱۴۶، خ ۶
أبي الزناد	ابن أبي الزناد	ص ۱۵۸، خ ۱
عمر بن سعد المقري	عمر بن سعد الحَقْرِي	ص ۱۷۱، خ ۳
بن إسحاق الهاشمي	أبو إسحاق الهاشمي	ص ۱۷۲، خ ۱۳
أحمد بن محمد بن عبد الله بن جعفر	أحمد بن محمد عن جعفر بن عبد الله	ص ۱۷۹، خ ۲
زيد بن حسان	يزيد بن حيان	ص ۱۷۹، خ ۳
داود بن زاهر	داود بن زهير	ص ۱۸۰، خ ۳
علي بن عتبة	علي بن عتبة	ص ۱۸۷، خ ۲
الرازي	الرزاز	ص ۱۸۸، خ ۹
أبو أحمد الطوسي	أبو أحمد السَّطَوِي	ص ۱۸۹، خ ۱
محمد بن نجی	محمد بن يحيى	ص ۱۸۹، خ ۲
الحسين بن أبي الهيثم	الحسين بن الهيثم	ص ۲۱۶، خ ۳
حبشي بن معاد، عن مسلم	حسين بن معاذ بن مسلم	ص ۲۱۶، خ ۱۰
الحسين بن أبي برد	الحسين بن أبي بردة	ص ۲۳۲، خ ۳
يحيى بن منقذ	يحيى بن منقذ	ص ۲۳۲، خ ۴
الحسن بن يحيى الحسني	الحسن بن يحيى الخُسَني	ص ۲۳۲، خ ۹
سهل بن صيفي	سهل بن صقير	ص ۲۶۷، خ ۴
حريز بن عبد الله	حرز بن عبد الله	ص ۲۷۱، خ ۵

این گوشه‌ای از اشتباهات محققین این کتاب در تصحیح و اصلاح اسانید این کتاب است که بعضاً نام صحیح آن را در بین نسخه‌ها پیدا شدنی است یا از نوع و کیفیت اختلاف نسخه‌ها و تصحیفات ناسخین و با کمک اسانید دیگر و کتب رجالی نام درست آن استخراج شدنی است.

در بسیاری از موارد نیز نام راوی در متن درست ثبت شده، ولی در پاورقی به نام دیگری هم اشاره شده که ناشی از اختلاف نسخه‌هاست و انتظار بر این بود که ترجمه آن راوی ذکر شود؛ همچنان که در برخی موارد شده است، ولی متأسفانه در بسیاری از موارد هیچ اشاره‌ای به ترجمه آن فرد نشده است که نشان دهندهٔ مجهول بودن او در نزد محقق محترم است.

تمام این موارد گویای آن است که این کتاب به حق نیازمند تحقیق مجددی است تا بر اساس نسخه‌های قدیمی آن و بررسی سند احادیث پرداخته شود تا تصحیفات و اغلاط اسانید کتاب در متن و پاورقی اصلاح و درست آن ضبط و ثبت شود.

۵. کاستی در استخراج منابع

روش استخراج روایات در منابع کهن بسیار دقیق است و مکانیزمی پیچیده دارد که دقت و ظرافت خاصی را می‌طلبد. در بعضی از تحقیقات میراث قدیم دیده می‌شود که مطالب را از منابع بسیار متأخر و متعلق به قرن یازدهم قمری به بعد استخراج می‌کنند. این در حالی است که خود این منابع مطلب را از کتاب اصلی در حال تحقیق نقل کرده‌اند. شاید بتوان این ادعا را کرد که نتیجه و فایده چندانی بر این کار مترتب نیست. بله اگر روایات از منابع و مصادر قبل از قرن دهم

نسخه کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی با تاریخ کتابتی ۸۵۲ قمری که با نسخه ابن ادريس حلی مقابله شده

استخراج شود، شاید فایده اندکی بر آن تعریف نمود و اگرچه مؤلف مطلب را از کتاب در حال تحقیقمان نقل کرده باشد، از آنجا که منابع قدیم و متعلق به قبل از قرن دهم دارای اهمیت ویژه‌ای هستند؛ مانند اختلاف الفاظی، گاهاً بسیار مفید و کارآمد است. این در حالی است که استخراج روایات منابع کهن از منابع متأخر متعلق به قرن دهم و یازدهم که انفجاری در زمینه تکثیر میراث در آن برهه اتفاق افتاده اهمیت چندانی در آن دیده نمی‌شود.

آنچه جملگی بر آن اتفاق نظر دارند، استخراج اخبار و احادیث از منابعی قدیمتر یا حداقل معاصر مؤلف است یا حداقل اگر ناقل بعد از مؤلف ما می‌زیسته، اما در نقل خود طریق و سندی غیر از مؤلف ما داشته باشد؛ چرا که دلیل اصلی در استخراج منبع در کتب قدما آشنایی با تاریخچه مطالب قبل و بعد از صاحب اثر است و شناخت ارزش روایات به وسیله شناخت اسانید دیگر. البته در اینجا نکات از مواربیک‌تر بسیاری است که این گفتار کوتاه گنجایش بیان آن را ندارد و ما فقط به مطلبی کلی در این زمینه پرداختیم.

یکی از نواقص تحقیق کتاب کفایه نقصان در استخراج منابع آن است. البته محققین محترم کتاب به نکته‌ای که اشاره شد توجه داشته و به دنبال تکثیر منابع بلافایده در استخراجات خود نبوده‌اند. با این احوال اگر جستجویی فراگیر و دقیق‌تر را انجام می‌دادند و صرفاً به دنبال منابع موجود در نرم افزارهای کامپیوتری نبودند، می‌توانستند حداقل ۱۲ حدیث کتاب را با حساسیت‌های زیادی که بر آن وجود دارد از منبعی

بس مهم و کهن که سابقه اخبار کتاب را به نزدیک به دو قرن قبل تر از مؤلف کفایه. یعنی در نیمه قرن سوم بازمی‌گرداندند. برسانند. تعدادی از اخبار کتاب کفایه که در هیچ یک از منابع قبل از خزاز قمی یافت نمی‌شود، در کتاب «اثبات الرجعة» منسوب به فضل بن شاذان نيسابوری (متوفای ۲۶۰ قمری) وجود دارد که مورد غفلت دوستان محقق این کتاب قرار گرفته است. اصل کتاب «اثبات الرجعة» در حال حاضر



مفقود می باشد، ولی بخش بزرگی از آن را مرحوم سید محمد میرلوحی حسینی اصفهانی (زنده در ۱۰۸۵ق) در کتاب «کفایة المهتدي فی معرفة المهدي» نقل کرده است. البته منابع دیگری هم در بعضی از روایات یافت شد که ما به همین مقدار اکتفا می کنیم.

۶. نواقص مقدمه تحقیق

محققین محترم کتاب در مقدمه تلاش زیادی کرده اند تا اقوال و نظرات بزرگان را درباره خزاز قمی و کتاب کفایه جمع آوری کنند، ولی در مهم ترین بخش مقدمه تحقیق که از ارکان اصلی آن به شمار می آید، خصوصاً در این دست از منابع کهن، دقت لازم را مصروف نکرده و در ذکر نام مشایخ مؤلف که احادیث کتاب توسط آنها روایت شده و نیز شاگردان مؤلف که همین کتاب را از وی روایت کرده و اسامی آنها در لابه لای کتب اجازات آمده نقص دارند. از مشایخی که در مقدمه کتاب از آنها نام برده نشده این افراد هستند:

۱. أبو الحسن محمد بن الحسن بن الحسين بن أيوب القمي خزاز به واسطه او از بزوفری در حدیث شماره ۱۲۹ کفایه روایت می کند. او همانی است که تعداد زیادی از کتاب های «اصول الستة عشر» که بارها منتشر شده را از تلکبری روایت کرده است و نام او در ابتدای این کتاب ها مکرراً تکرار می شود.

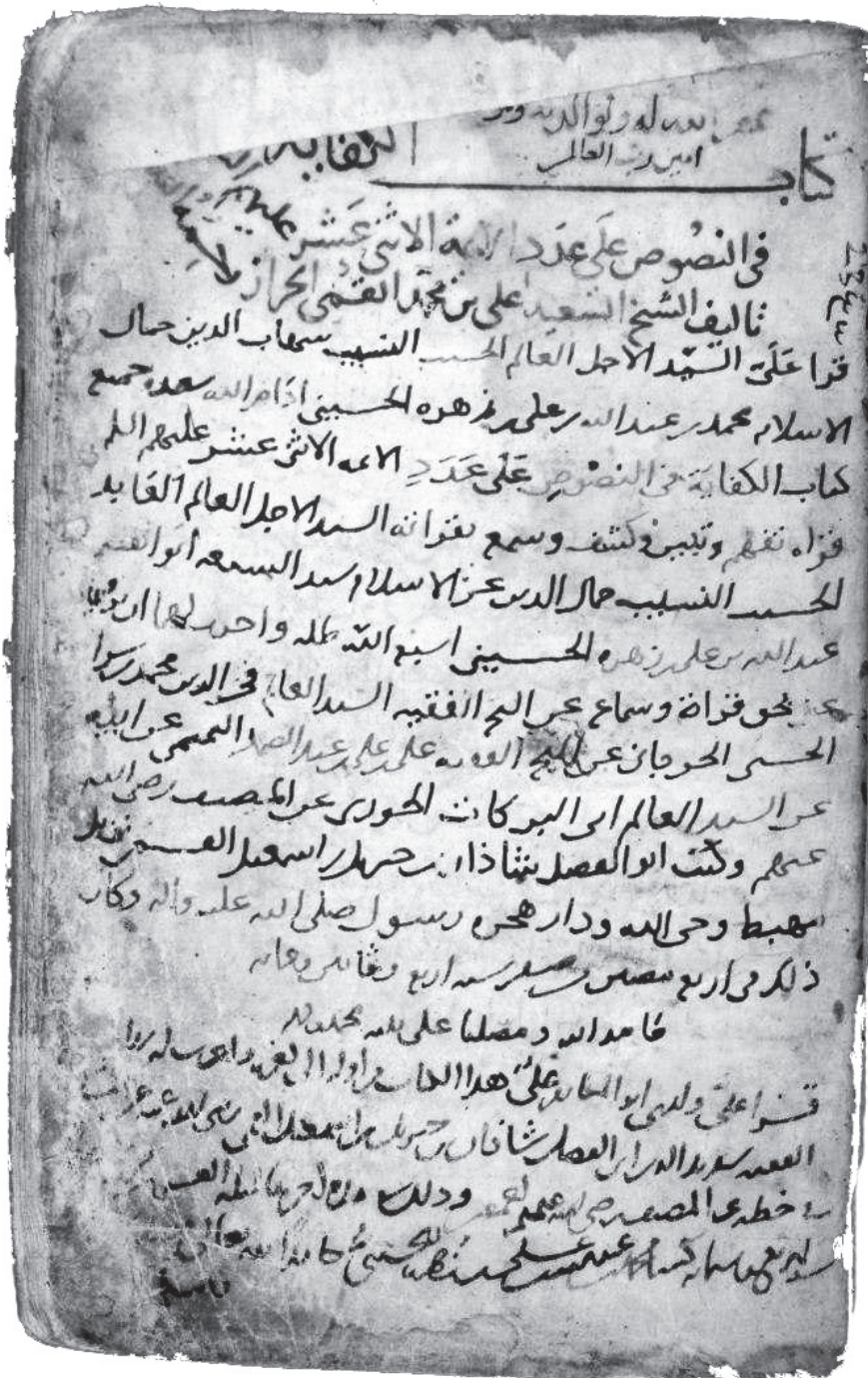
۲. علی بن محمد بن متوئی الرازي (زنده در سال ۳۸۵ق)

خزاز از او در کتاب کفایه در این شمارگان روایت نقل می کند: ۱۹ و ۳۸ و ۴۸ و ۶۹ و ۸۱ و ۱۲۷ و ۱۷۴. مشایخ ابن متوئی نیز در این شمارگان از این قرار: أبو الحسن علی بن محمد بن مهرویه قزوینی (متوفای ۳۳۵ق) از مشایخ صدوق و ابوبکر محمد بن عمر بغدادی

جعابی (متوفای سال ۳۵۵ ق) و ابو عبد الله محمد بن احمد بن عبد الله بن قضاة اسدی صفوانی (زنده در ۳۵۲ق) و احمد بن زیاد بن جعفر همدانی از مشایخ صدوق.

رافعی قزوینی نام این متوئی را در کتاب التدوین خود آورده و درباره وی می نویسد:

۱. الأصول الستة عشر، ۴۹ و ۱۳۷ و ۱۴۶ و ۱۴۷ و ۲۵۲ و ۲۹۷.



کهن ترین نسخه کفایه خزاز با تاریخ کتابتی ۵۸۴ قمری که روی آن اجازه شاذان بن جبرائیل قمی و خاندان ابن زهره و بلاغ مقابله ابن ادریس حلی را دارد

سمع أبا سليمان محمد بن سليمان بن يزيد بقزوين، بقرائه عليه سنة ٣٨٥ ق.^٢

٣. علي بن محمد بن السندي الدقاق

ترجمه این شخص در هیچ یک از منابع یافت نشد. ولی خزاز ٩ روایت از او روایت می‌کند. از آنجا که تمام مشایخ سندی دقاق از قم هستند و در بیشتر موارد از ابن الولید روایت نقل می‌کند ظاهراً او از مشایخ قمی خزاز است. نام او در این شمارگان آمده است: ١٥٤ و ١٥٧ و ١٦٣ و ١٦٥ و ١٦٦ و ١٧٠ و ١٧١ و ١٧٣ و ١٧٨.

٤. ابوالحسن علی بن الحسن بن علی بن الحسن البغدادی، معروف باین الرازی (ت ٣٩١ ق)

خزاز از او در کتاب کفایه در این شمارگان روایت نقل می‌کند: ٥٠ و ٦٣ و ٧٦ و ٨٦ و ١٤٩. با اینکه ابن الرازی ایرانی است و در بلد مؤلف کفایه می‌زیسته، ولی در بغداد و در محله قطیعة الربیع سکونت داشته و در قبرستان «الشونیزی» مدفون شده است. بنابراین او از مشایخ بغدادی مؤلف ما (خزاز) به شمار می‌آید. خطیب بغدادی نام او را در کتاب خود آورده است. وی از عقیقی درباره ابن الرازی سؤال می‌کند و او وی را توثیق می‌کند و می‌افزاید که ابن الرازی صاحب اصول نیکو و قدرت حافظه و فهم و معرفت و مکتوبات زیاد است.^٣

اما شاگردان خزاز قمی که در مقدمه کتاب از آنها نام برده نشده این افراد هستند:

١. ابوالحسن علی بن عبدالصمد بن محمد التمیمی النیسابوری

بنا بر اجازه ابی الفتح محمد بن محمد بن الجعفریة العلوی الحسینی الحائری به ابی الفتح احمد بن سالم بن ابی تغلب الموسوی الحائری در سال ٥٧١ هجری قمری تمیمی نیشابوری، کتاب کفایه را از خزاز قمی بدون واسطه روایت کرده است.

٢. ابوالفضل محمد بن الحسین بن سعید القمی البغدادی

بنا بر طریق روایت جوینی شافعی به خزاز قمی،^٤ ابوالفضل قمی از او یان کتاب کفایه به شمار می‌آید. متن فرائد السمطین این چنین است:

عن الشيخ أبي المفضل محمد بن الحسين ابن سعيد القمي المجاور ببغداد إجازة عن
الشيخ علي بن محمد بن علي الخزاز صاحب الكفاية، عن أبي جعفر محمد بن علي بن
بابويه

این موارد گوشه‌ای از نواقص و مشکلات تحقیق کتاب کفایه به شمار می‌آید که تفصیل آن از حوصله این نوشتار خارج است. امید آن را دارم که دوستان خوب و محققین این کتاب از نقدهای اینجانب دلگیر نشده و آنها را برای اصلاح و پیشرفت از این کمترین پذیرا باشند.

٢. التدوين في أخبار قزوين، ج ٣، ص ٤١٦.

٣. تاریخ بغداد، ج ١١، ص ٣٨٧ و ٦٢٦١.

٤. فرائد السمطین، ج ٢، ص ٣٣٦، ٥٩٠ و ٥٩١.